ابهام‌زدایی از یک توهم

مازیار حسین‌زاده

در اتاق زنان می‌آیند و می‌روند
در حالی‌که از میکل آنژ نام می‌برند.
تی.اس.الیوت

در شمارهٔ ۳۵ ماهنامهٔ گلستانه (سال سوم، دی ۸۰) مقاله‌یی با عنوان «ابهام‌های یک گزینش» نوشتهٔ آقای علی احمدی‌فر به‌چاپ رسیده است و در آن ابهام‌های نویسنده در مورد «همایش آشنایی با آهنگسازان متأخر سدهٔ بیست» مطرح شده است. همایش مذکور در آبان و آذر ۱۳۸۰ در موزهٔ هنرهای معاصر با سخنرانی‌های آقای شاهرخ خواجه‌نوری در اینجانب برگزار شد. و اما ملاک‌های انتخاب انجام شده پیچیده‌تر و مفصل‌تر از آن است که در حوصلهٔ این مقاله بگنجد اما از آن میان، در این جا به دو مورد از مهم‌ترین آن‌ها که ارتباط مستقیم با مقالهٔ آقای احمدی‌فر دارند اشاره می‌شود:

مشکلات و کاستی‌های موجود در رابطه با منابع معتبر این شاخه از موسیقی در ایران بر کسی پوشیده نیست کما این‌که نویسندهٔ آن مقاله نیز خود در نوشته خود را به این مسأله اختصاص داده‌اند. طبیعی است که گردانندگان این همایش نیز به مصداق «خویش بود گر محک تجربه آید به میان» از نزدیک با این کاستی‌ها درگیر بوده‌اند. در همین راستا در انتخاب آهنگسازان مورد نظر دو جنبه دخیل بوده است: اول جنبه عمومی کمبود منابع (مخاطبان)، بدین معنا که در وهلهٔ اول سعی بر این قرار گرفت که حتی‌المقدور مطالب تکراری در برنامه ارائه نگردد. از این رو با بررسی سخنرانی‌های انجام شده در یکی دو سال اخیر، آهنگسازانی چون بریو، اشتوکهاوزن... و از جمله آهنگسازان مکتب می‌نی‌مالیسم که بسیار مورد توجه آقای احمدی‌فر قرار دارند و برنامه‌یی در معرفی آنان در فرهنگسرای نیاوران اجرا شده بود، کنار گذاشته شدند. دوم جنبه اختصاصی کمبود منابع (گردانندگان) که علاوه بر منابع مکتوب خصوصاً منابع صوتی و تصویری را در برمی‌گرفت و لذا از بسیاری از بزرگان که در مقاله مذکور به ایشان اشاره نشده است نیز صرف‌نظر شد.

نکتهٔ دیگر این‌که همان‌طور که در اجراید کثیرالانتشار و نیز در صحبت‌های مقدماتی جناب آقای الهی، از مسؤلان حوزه، در اولین جلسه همایش اشاره شد، از این برنامه با عنوان «اولین همایش» یاد شد نه اولین و آخرین، بنابراین بسیار مایهٔ شادمانی خواهد بود اگر [illegible] نیز فعالیت کنند. اما ایرادهای مطرح شده در آن مقاله نیز خود جای تأمل دارند. نکتهٔ اول برداشت عجیب آقای احمدی‌فر است. ایشان متأخر را به معنای «دوم دهه اخیر» گرفته‌اند که البته اینجانب در هیچ فرهنگ فارسی معتبری چنین معنایی در مقابل مدخل متاخر ندیدم. جالب این‌که نویسنده آن‌چنان بر این معیار کنترل پافشاری دارند که لوئیجی نونو را صرفاً عدم حضور در یک دهه آخر قرن بیست متأخر نمی‌شمارند. کلمهٔ «متأخر» اصولاً در برابر «متقدم» مطرح می‌شود از این رو در برابر متقدمینی چون شونبرگ، استراوینسکی، آهنگسازانی چون بولز و نونو حتماً متأخر هستند. (بد نیست اشاره کنم که در پشت جلد همان شماره از مجله، کتاب ادوارد لوسی اسمیت با عنوان «آخرین جنبش‌های هنری قرن بیستم» معرفی شده است که اختصاص به هنرهای تجسمی از سال ۱۹۴۵ به بعد دارد. لابد با معیار آقای احمدی‌فر تنها فصل آخر این کتاب ذیل عنوان مذکور می‌گنجد!)

نکتهٔ دیگر این‌که بسیاری از مطالب مطرح شده در مقاله این تصور را پدید می‌آورند که نویسنده آن، خود در همایش حضور نداشته چرا که پاسخ بسیاری از ادعاهای ایشان در همان جلسات داده شده بود. به‌عنوان مثال این‌که «نقاط اوج آهنگسازی [بولز] را باید قبل از دو دههٔ اخیر جست»[2] در صورتی‌که تصنیف قطعهٔ Réponse اساساً پیش از دههٔ هشتاد به‌سبب کاستی‌های تکنولوژیک امکان‌پذیر نبود و این نکته به‌طور مبسوط در جلسه اول تشریح شده بود. دیگر این‌که سخنرانان متهم شده‌اند که این ۵ آهنگساز را به‌عنوان بهترین آهنگسازان متأخر معرفی کرده‌اند یا این‌که باربارا هو را به‌عنوان برترین آهنگساز متأخر. صفاتی چون بهترین و برترین در عنوان همایش به‌چشم نمی‌خورد و به شهادت نوارهای ضبط شده از سخنرانی‌ها نیز، ضمن استفاده مکرر از صفت مطرح به‌جای برتر، در مواردی معدود عباراتی «یکی از برترین و بهترین» یا «یکی از برترین و آهنگسازان مورد استفاده قرار گرفته و برخلاف فرهنگ حاکم بر جامعه که همواره سعی در یافتن یک و فقط یک مشاگرد اول» دارد، عمل شده است.

اما بارزترین مسأله در مقاله مذکور این است که نویسنده خود ملاک‌هایی را که وضع کرده نقض می‌کند. اگر اهمیت مینی‌مالیسم در تأثیر آن در روند تاریخ موسیقی معاصر است، آیا حقیقتاً این ۵ آهنگساز براین روند تأثیر نگذاشته‌اند؟ حتی اگر معیار مجعول نویسنده را برای متأخر بودن بپذیریم، چگونه است که آهنگسازانی چون لیندبرگ و ساریاهو متأخر هستند و شدیداً تحت تأثیر اسپکترالیسم[3] اما «موسیقی اسپکترال موسیقی و اندیشهٔ حاکم بر دو دههٔ اخیر را توجیه نمی‌کند»؟! از این دست تناقضات در مقاله مذکور بسیار است و این‌ها تنها مشتی است نمونهٔ خروار.

نکتهٔ آخر این‌که در همان شماره از مجله و درست پس از آن مقاله، سطور مختصری که اینجانب جهت معرفی همایش تنظیم کرده و نوشته بودم، عیناً و متأسفانه بدون ذکر مأخذ، چاپ شده است. آیا این خود تأییدی بر گزینش انجام شده در این برهوت نیست؟

پانوشت‌ها:

۱. لازم به‌ذکر است که یکی از معدود مطالب موجود دربارهٔ مینی‌مالیسم در موسیقی به زبان فارسی، ترجمه‌یی است که اینجانب انجام داده‌ام و در مجلهٔ نمیز شمارهٔ ۱۹، خرداد ۱۳۷۶ با عنوان «جریان‌های معاصر موسیقی: مینی‌مالیسم» به‌چاپ رسیده است.

۲. توجه آقای احمدی‌فر را - که از جمله ملاک‌های خود در تعیین اهمیت یک هنرمند را سرمایه‌گذاری شرکت‌های معظم بر روی آثار وی معرفی کرده‌اند - به مجموعه CDهای منتشر شده توسط مؤسسه IRCAM که به آثار مطرح دههٔ نود اختصاص دارد، جلب می‌نمایم که در میان افراد انتخاب شده، در کنار لیندبرگ و ساریاهو، بولز نیز حضور دارد.

۳. البته آهنگسازان متأثر از اسپکترالیسم به این دو نفر محدود نمی‌شوند و خیل عظیمی از آهنگسازان معاصر به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم تحت تأثیر آن قرار دارند.